

تعلیق اجرای مجازات - بیان حق

نویسنده: دکتر محمد علی اخوت قاضی سابق دیوانعالی کشور، وکیل دادگستری - دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۳

یکی از آموزه های مکتب های حقوق جزای مدرن، موضوع فردی کردن مجازات ها است. بدین معنا که مجازات باید با توجه به شخصیت فردی خانوادگی، اجتماعی مرتکب به نحوی تعیین شود که امکان بازاجتماعی شدن او را فراهم نماید (برای اطلاع بیشتر ر.ک تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی به قلم نگارنده، تهران انتشارات بهنامی، ۱۳۸۵، صفحه ۸۹ به بعد) نهادهایی همچون تخفیف و تشدید مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، مجازات های جایگزین حبس، آزادی مشروط زندانیان، اختیارات گسترده ای در ارتباط با فردی کردن مجازات ها به قاضی کیفری اعطا کرده است، در این مقاله یکی از این راهکارها در این صفحه به نگارش در می آید. اکنون به تعلیق اجرای حکم می پردازیم. در قانون جدید مجازات اسلامی مواد ۴۶ تا ۵۴ به تعلیق اجرای مجازات اختصاص داده شده است: ماده ۴۶- «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.» تعلیق اجرای مجازات عبارت از این است که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم علیه با شرایط خاصی تحت تعلیق درآید که با احراز شرایط مجازات نخواهد شد. با توجه به مواد فوق موارد زیر قابل امعان نظر است: اولاً، تعلیق مشمول جرائم تعزیری است و جرائم مربوط به حدود و قصاص و با توجه به تبصره ماده ۱۱۵ قانون م.ج.ا تعزیرات شرعی، از شمول موارد تعلیق استثناء شده اند. این که تعزیرات منصوص شرعی چیست و نظرات شورای نگهبان در مورد این اصطلاح جدید چه می باشد؛ در حوصله این مقاله نیست. ثانیاً، مجازات های قابل تعلیق، مربوط به مجازات های درجه ۳ تا ۸ می شود که در مقایسه با مقررات تعویق صدور حکم (ر.ک بیان حق - تعویق صدور حکم) که درجات شش تا هشت را در بر میگرفت گستره مجازات های قابل تعلیق بیشتر است. ثالثاً، شرایط تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم یکسان هستند بنابراین شرایط عمومی و اختصاصی تعلیق ساده و مراقبتی همان است که در تعویق صدور حکم بیان شد. رابعاً، مدت تعلیق با توجه به ماده ۴۶، یک تا پنج سال است در قانون سال ۱۳۷۰ این مدت دو تا پنج سال بود. خامساً، همانند قانون سابق دادگاه می تواند تمام یا قسمتی از مجازات را مورد تعلیق قرار دهد. در قانون تعلیق مصوب ۱۳۴۶ و قانون سال ۱۳۶۱ چنین قیدی وجود نداشت به این معنا که دادگاه نمی توانست قسمتی از مجازات را معلق کند به همین دلیل رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۱۷/۳/۶۲ مقرر میداشت «تعیین مدت محکومیت به یک فقره حبس منجز و یک فقره حبس تعلیقی فاقد مبنای قانونی است.» رویه ای که قانونگذار در سال های ۷۰ و ۹۲ اتخاذ کرده است قابل انتقاد به نظر می رسد زیرا در واقع تعلیق قسمتی از مجازات و اجرای قسمتی از آن از نظر محکوم علیه، تعیین حبس کم تر است و تعلیق اثر بازدارندگی خود را از دست می دهد. سادساً، در قانون جدید برخلاف مقررات قوانین سابق تعلیق اجرای مجازات پس از گذراندن یک سوم مجازات پذیرفته شده است با توجه به قسمت اخیر ماده ۴۶ دادستان می تواند تقاضای تعلیق اجرای بقیه مجازات را از دادگاه صادر کننده حکم قطعی بنماید محکوم علیه نیز می تواند پس از گذراندن مدت مزبور تقاضای تعلیق اجرای بقیه مجازات را بنماید. توضیح این که صادر کننده حکم قطعی به شرح مذکور در ماده فوق می تواند دادگاه بدوی صادر کننده رأی باشد یا دادگاه تجدیدنظر که پس از نقص رأی برانت رأساً مبادرت به انشاء صدور حکم نموده است. انواع تعلیق: همانند تعویق صدور حکم تعلیق اجرای مجازات بر دو نوع است. ۱- تعلیق ساده- ۲- تعلیق مراقبتی- ۱- تعلیق ساده: تعلیق ساده عبارت از این است که مرتکب در زمان مدت تعلیق مرتکب جرم جدید نشود. به موجب ماده ۵۲ ق.م.ا: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیق بی اثر می شود.» با توجه به این ماده: اولاً، تعلیق اجرای مجازات منوط به عدم ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت در زمان تعلیق اجرای مجازات است. در نتیجه اگر محکوم مرتکب یکی از این جرائم گردد قرار تعلیق به موجب ماده ۵۴ قانون م.ج.ا لغو و دستور اجرای حکم معلق صادر می شود. ثانیاً، در پاسخ به این سوال که کدام دادگاه صالح برای الغاء قرار تعلیق است در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ با توجه به ماده ۳۳، دادگاهی که حکم تعلیق اجرای مجازات سابق را صادر کرده بود یا دادگاه جانشین صالح برای الغاء بود. در قانون جدید در قسمتی از ماده ۵۴ آمده است: «پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند» با توجه به این قسمت ماده دو حالت پیش می آید: الف. با توجه به

ماده 55 قانون جدید دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است پس از صدور قرار متوجه می شود که محکوم دارای سابقه محکومیت موثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده که در میان آن ها محکومیت تعلیقی بوده است. قرار تعلیق را لغو می کند. ب. دادگاه دیگر پس از رسیدگی به اتهام دیگر متهم و قطعیت متوجه می شود که محکوم قبلا مرتکب یکی از جرائم مشمول حد، قصاص، تعزیر تا درجه هفت شده است؛ در این جا قانونگذار برخلاف قانون سابق قایل به حدوث وضعیت جدیدی شده است. بدین توضیح که این دادگاه که اصولا صادر کننده حکم تعلیق نبوده است؛ قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر می کند و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند. در واقع دادگاهی که قرار تعلیق را صادر نکرده است آن را لغو می کند و حتی دستور اجرای حکم سابق را می دهد. ایجاد صلاحیت اضافی برای دادگاهی که اصولا در جریان قرار تعلیق نبوده است؛ قابل انتقاد است زیرا اصولا همان گونه که اشاره شد بهتر بود در تمام احوال دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اجرای مجازات مبادرت به لغو قرار کند نه دادگاهی که در پرونده دیگری رأی قطعی صادر کرده است. ثالثا، در صورتی که دادستان یا قاضی اجرای احکام متوجه شود که محکوم دارای سابقه محکومیت موثر یا محکومیت های دیگری بوده است؛ موظف است که لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید که با عنایت به مطلبی که در فوق آمده این ابهام ایجاد می شود که کدام دادگاه صالح است. آیا دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است، یا دادگاهی که حکم به حد یا قصاص یا تعزیر به شرح مندرج در ماده 54 داده است؟ چنین به نظر می رسد دادستان تقاضای لغو قرار را از دادگاهی خواهد خواست که قرار تعلیق مجازات را صادر کرده است. به هر حال این ابهام با توجه به ماده 55 وجود دارد و محتاج انتظار برای تشکیل رویه قضایی است. رابعا، تعلیق اجرای مجازات با توجه به ماده 51 به حق مدعی خصوصی تاثیری ندارد. بنابراین در صورتی که مدعی خصوصی دادخواست ضرر و زیان داده باشد یا در مورد دیه، تقاضا نماید؛ تعلیق اجرای مجازات در امر حقوقی اثری نداشته و دادگاه وفق مقررات نسبت به این موضوع رسیدگی خواهد کرد اما با توجه به این که شرایط تعلیق وفق ماده 46 همان شرایط تعویق صدور حکم است. (ر.ک مقاله تعویق صدور حکم در همین وبلاگ) و یکی از شرایط عمومی تعویق صدور حکم وفق بند پ ماده 40 «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران است» این اشکال پیش می آید که در صورت عدم جبران ضرر و زیان یا برقراری جبران ضرر و زیان، دیگر موجبی برای تعلیق اجرای مجازات پیش نمی آید که مشمول ماده 51 گردد. خامسا، با توجه به ماده 49 ق.م.ج.ا قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت، در زمانی که پرونده در حال رسیدگی است و پس از صدور حکم محکومیت زمانی که محکوم یک سوم از مدت مجازات را سپری کرده با تقاضای او و یا دادستان صادر می گردد. در نتیجه محکومی که اجرای حکمش به طور کلی معلق شده است؛ با توجه به قسمت اخیر ماده مذکور اگر در زندان باشد بلافاصله آزاد می شود. سادسا، چه در تعلیق ساده و چه در تعلیق مراقبتی، شرایط عمومی تعویق به شرح بندهای چهارگانه ماده 40 ق.م.ج.ا باید رعایت شود که عبارتند از: الف. وجود جهات تخفیف. ب. پیش بینی اصلاح مرتکب. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران. ت. فقدان سابقه کیفری موثر در خصوص این موارد با توجه به توضیح دررد مورد آن ها در مقاله تعویق صدور حکم، به مقاله اخیر رجوع شود. ادامه دارد....